

ژئوپلیتیک و استراتژی امنیت ملی آمریکا: دولت‌های جورج بوش و باراک اوباما

www.ketab.ir

نویسنده:
محمدحسین نجاتی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: نجاتی، محمدحسین، ۱۳۶۹ -

عنوان و نام پدیدآور: ژئوپلیتیک و استراتژی امنیت ملی آمریکا: دولت‌های جورج بوش و باراک

اوباما/نویسنده محمدحسین نجاتی.

مشخصات نشر: اهواز: پژوهندگان راه دانش، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۱۳ ص.

شابک: ۶-۳۹۰-۳۴۵-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۵ - ۱۱۳.

موضوع: بوش، جورج، ۱۹۲۴ - م.

موضوع: Bush, George

موضوع: اوباما، باراک، ۱۹۶۱ - م.

موضوع: Obama, Barack

موضوع: امنیت ملی - ایالات متحده

موضوع: National security-- United States

موضوع: سیاست جغرافیایی - ایالات متحده

موضوع: Geopolitics -- United States

بندی کنگره: UA۲۳

رده بندی دیویی: ۳۵۵/۳۲۰۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۸۴۲۸۶

انتشارات پژوهندگان راه دانش



ناشر: پژوهندگان راه دانش

شماره نشر: ۱۳۹۴

نام کتاب: ژئوپلیتیک و استراتژی امنیت ملی آمریکا: دولت‌های جورج بوش و باراک اوباما

نویسنده: محمدحسین نجاتی

تیراژ: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

چاپ: ترنگ

صفحه آرای: پژوهندگان

سایز: وزیری

شابک: ۶-۳۹۰-۳۴۵-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۷۰۰۰ تومان

www.ketab.org.ir

حق چاپ و نشر محفوظ است.

طبق قانون حقوق نویسندگان و مصنفان هرگونه کپی برداری به هر روش پیگرد قانونی دارد.

دفتر تهران: ۰۹۱۲۸۸۸۴۹۶۹ - ۶۶۱۲۰۵۵۴ دفتر اهواز: ۰۹۱۶۱۱۸۵۱۱۸ - ۳۲۲۰۲۸۰۲

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	فصل اول: تارچوب مفهومی
۱۱	مقدمه
۱۱	استراتژی
۱۵	ژئوپلیتیک
۱۷	ژئوپلیتیک رفتاری
۱۷	ژئوپلیتیک مارکسیستی
۱۷	ژئوپلیتیک انتقادی
۱۷	ژئوپلیتیک پست مدرن
۱۹	ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین الملل نوین: امریکا
۲۲	جمع بندی
۲۵	فصل دوم: ژئوپلیتیک و استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوره جورج دبلیو بوش
۲۷	مقدمه
۲۸	گرایش های ژئوپلیتیک ایالات متحده تا جنگ سرد
۲۸	ژئواستراتژی در سایه ژئوپلیتیک درونی
۲۹	از مداخله گرایی استراتژیک تا واپس گرایی ژئوپلیتیک
۲۹	از پارادوکس یک جانبه گرایی گزینشی تا درون گرایی مقطعی
۳۰	گرایش های ژئوپلیتیک ایالات متحده پس از جنگ سرد
۳۰	استراتژی انزواگرایی
۳۰	استراتژی ژئوپلیتیک موازنه قوا
۳۱	استراتژی ژئوپلیتیک جهان گرایان
۳۱	استراتژی نظام تک قطبی اورسیا
۳۱	استراتژی های ژئوپلیتیک ایالات متحده در دوره پس از جنگ سرد
۳۲	اقدامات پیش دستانه آمریکا و کاهش مشروعیت سیاسی کشورهای منطقه
۳۵	استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوران پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۳۷	دکترین بوش
۳۷	حمله پیش‌دستانه
۳۷	یک‌جانبه‌گرایی
۳۷	اشاعه دموکراسی
۳۸	جنگ با تروریسم
۳۸	تحولات ژئوپلیتیکی تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر
۴۰	جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحده
۴۰	شناخت رهیافت ژئوپلیتیکی و استراتژی آمریکا در دوران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نسبت به
۴۲	افغانستان
۴۴	سیاست خارجی آمریکا در عراق
۴۶	کاهش حساسیت نسبت به حضور اسرائیل در منطقه از سوی دنیای عرب (تأمین امنیت)
۴۷	استراتژی تروریسم و عراق
۴۸	جمع‌بندی
۵۱	فصل سوم: ژئوپلیتیک استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوره اوباما
۵۳	مقدمه
۵۴	اوباما و خاورمیانه پیش از ۱۱
۵۵	اوباما و تغییر ژئوپلیتیک و استراتژی
۵۷	سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ
۵۷	اوباما و خاورمیانه جدید
۵۹	تأثیرات منطقه‌ای بیداری اسلامی بر استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا
۶۲	میراث سیاست خارجی اوباما و نظام بین‌الملل
۶۸	جمع‌بندی
۷۱	فصل چهارم: مطالعه تطبیقی رابطه ژئوپلیتیک و استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوره بوش و اوباما
۷۳	مقدمه
۷۴	نرم‌افزار گرایی در سیاست خارجی نومحافظه‌کاران
۷۷	نرم‌افزار گرایی و سیاست تغییر اوباما
۷۸	عوامل مؤثر بر سیاست خاورمیانه اوباما
۸۱	مقایسه نرم‌افزار گرایی در دکترین بوش و اوباما
۸۲	سخت‌افزار گرایی و ژئوپلیتیک
۸۳	گفتمان ژئوپلیتیکی تروریسم در دولت بوش
۸۴	تمدن در برابر بربریت
۸۵	خیر در برابر شر
۸۶	حامی حقوق بشر در مقابل ناقض حقوق بشر

مقدمه

تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست کشورها از دیرباز مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران بوده و به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورها در زمینه دستیابی کشورها به امنیت پایدار در سطح ملی و حتی دستیابی به هژمونی جهانی در سطح نظام بین‌الملل مطرح می‌شود. به گونه‌ای که برخی از نظریه‌پردازان مانند هالفورد مکیندر بر نقش خشکی و برخی دیگر مانند آلفرد ماهان بر نقش دریا در سیاست‌گذاری‌ها و تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی کشورها جهت نیل به این اهداف، تأکید داشته‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به تمایل فرانسه به توسعه طلبی ارضی و دست‌یابی به هژمونی جهانی در دوران حاکمیت ناپلئون بناپارت بر این کشور و همچنین تمایل آلمان سیتلری به گسترش وسعت سرزمینی خود و تبدیل شدن این کشور به یگانه قدرت نظام بین‌الملل اشاره کرد. ایالات متحده آمریکا نیز به عنوان یک ابرقدرت نظام بین‌الملل از این قاعده مستثنی نیست. به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام دو قطبی، آمریکا درگیر یک نزاع اتمی و نوک‌نمایی و جنگ سرد با اتحاد جماهیر شوروی شد و «ژئوپلیتیک» به یک متغیر مهم و تأثیرگذار در طراحی استراتژی‌ها و دکترین‌های امنیتی و نظامی این کشور در قالب استراتژی کلا، مبارزه با کمونیسم تبدیل شد که از جمله می‌توان به «سیاست سد نفوذ» در دوران ریاست جمهوری جیمز ترومن و «دکترین دو ستونی ریچارد نیکسون» اشاره کرد که هدف از طراحی آن‌ها، نابود نفوذ شوروی و کمونیسم در مناطق تحت نفوذ آمریکا و بلعیده شدن اردوگاه کاپیتالیسم توسط شوروی بود و «کمونیسم» مهم‌ترین تهدید علیه منافع و امنیت ملی آمریکا به شمار می‌رفت. بعد از فروپاشی شوروی در دهه نود میلادی، این نگاه و برداشت در نزد برخی از محققان مسائل سیاست بین‌الملل و دولت‌مردان آمریکا به وجود آمد که دیگر هیچ تهدید هویتی و امنیتی علیه ارزش‌ها و امنیت ملی آمریکا وجود نخواهد داشت و آمریکا به سهولت به هژمونی جهانی دست خواهد یافت و در قالب جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، اهمیت ژئوپلیتیک و مرزهای سخت دچار فرسایش خواهد شد؛ اما با وقوع حملات تروریستی به نیویورک و واشنگتن در

یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مجدداً تهدیدی جدید علیه منافع و امنیت ملی آمریکا به نام «تروریسم» ظهور نمود که زمان و مکان وقوع آن نامشخص بود و این مسئله منجر به طرح این سؤال شد که آیا «ژئوپلیتیک» در طراحی استراتژی‌های امنیتی و نظامی این کشور برای مقابله با خاستگاه خطر و تهدید علیه امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، در هر نقطه از جهان دارای نقش و اهمیت می‌باشد یا خیر؟ دغدغه و مسئله اصلی در این نوشتار پژوهشی اثبات این موضوع است که ژئوپلیتیک همچنان پس از پایان جنگ سرد در استراتژی‌های طراحی شده برای تأمین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا دارای نقش و اهمیت بسزایی می‌باشد که بدین منظور، قصد داریم به صورت تطبیقی میزان تأثیرگذاری و اهمیت ژئوپلیتیک را در طراحی و تدوین استراتژی‌های امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در آغاز هزاره سوم یعنی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با توجه به روی کار آمدن دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در آن برهه از زمان که هر یک از دو این دو حزب، شیوه نگرش خاص خود را نسبت به منافع ملی آمریکا، خطرات و تهدیدات پیش روی این منافع و راهبردها و تاکتیک‌های لازم برای مبارزه با آن‌ها را دارند، بررسی کنیم و به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که چرا نقش و اهمیت ژئوپلیتیک در طراحی استراتژی امنیت ملی آمریکا در دولت‌های جورج دبلیو بوش و باراک اوباما به میزان‌های متفاوت تقویت شده است؟ در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش نیز شاهد حضور نظامی پررنگ آمریکا در خاورمیانه و آسیای میانه و گسترش انگاهای نظامی آمریکا در شرق اروپا هستیم و در نقطه مقابل نیز با روی کار آمدن باراک اوباما در کاخ سفید، بر کاهش نقش آمریکا در تأمین امنیت خاورمیانه و خلیج فارس، کاهش حضور نظامی آمریکا در اروپا و حضور سیاسی و اقتصادی فعال در شرق آسیا برای جلوگیری از افزایش نفوذ و قدرت چین، تحت عنوان «دکترین چرخش به سوی آسیا» تأکید می‌شود. ضرورت بررسی پیرامون این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که مشخص می‌کند در استراتژی‌های امنیت ملی ایالات متحده آمریکا که در دو دهه آغازین قرن بیست و یکم طراحی و اجرا شده‌اند، کدام بخش‌هایی از جغرافیای جهان از موقعیت غنی ژئوپلیتیک برخوردار بوده‌اند و همچنین خاستگاه خطر و تهدید علیه امنیت ملی آمریکا شناخته شده‌اند و چه تمهیداتی جهت تسلط بر این مناطق و مبارزه با تهدیدات و خطرات فرا روی امنیت ملی آمریکا در قالب دکترین‌های جورج دبلیو بوش و باراک اوباما اندیشیده شده است.